

فرهنگ واژگان مالی

دکتر حسین عبده تبریزی^۱
پرویز صداقت^۲

annual percentage rate (APR)

درصد نرخ سالانه

هزینه بدهی که به شکل درصد سالانه ساده بیان شده است.

annual report

گزارش سالانه

گزارشی که هر سال به تمامی سهامداران شرکت ارائه می‌شود و شامل مواردی مانند ترازنامه، وضعیت مالی، رخدادهای سال گذشته و پیش‌بینی‌هایی برای سال آتی است. (همچنین، ر.ک. به مدخل 10-k report)

annuitant

دریافت‌کننده اقساط مساوی

دریافت‌کننده مبالغ مربوط به قرارداد اقساط مساوی

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

۲- کارشناس و محقق در مسائل مالی

annuitize

تقسیم مساوی - قسط بندی کردن

توزیع ادواری اقساط مساوی، تقسیم بدهی در طول زمان با اقساط مساوی

annuity

بیمه نامه با اقساط مساوی

قرارداد بین شرکت بیمه و یک فرد که بر طبق آن، شخص در طول حیاتش به ازای پرداخت یکجا یا ادواری به شرکت بیمه، درآمدی را به طور مستمر دریافت خواهد کرد.

annuity beneficiary

ذی نفع اقساط مساوی

شخصی که پس از مرگ دریافت کننده اقساط مساوی، عواید بیمه نامه وی را دریافت می کند.

annuity compound amount

ارزش مرکب اقساط مساوی

منظور آن است که اقساط مساوی پرداختی در طول دوره های معین وقتی انباشته می شود، ارزش مرکبی را تشکیل می دهد. البته، بهره هر قسط در پایان دوره به اصل آن اضافه شده و با قسط جدید جمع می شود، و مبنای محاسبه بهره دوره بعد قرار می گیرد.

annuity owner

مالک بیمه نامه با اقساط مساوی

مالک بیمه نامه با اقساط مساوی که می تواند در مورد دریافت کننده اقساط و ذی نفع یا وارث آن تصمیم گیری کند.

annuity present value

ارزش فعلی اقساط مساوی

منظور ارزش فعلی یک رشته اقساط مساوی است که در آینده پرداخت می شود.

annuity providing a future amount

اقساط مساوی منجر به مبلغی در آینده

منظور اقساطی است که به طور مساوی پرداخت می شود، و در پایان دوره، پرداخت کننده مبلغی کلی را یکجا دریافت می کند.

annuity repaying a present amount اقساط مساوی برای بازیافت مبلغی در حال حاضر
 منظور اقساطی است که در آینده به طور مساوی در قبال دریافت مبلغی یکجا در زمان
 حاضر باید پرداخت شود، تا بدهی تسویه شود.

annuity unit واحد اقساط مساوی
 واحد حسابداری مورد استفاده در تعیین مقدار هر بار پرداخت به دریافت کننده اقساط
 مساوی در طی دوره بازپرداخت.

anticipated holding period دوره نگهداری پیش‌بینی شده
 دوره زمانی که انتظار می‌رود شرکت داراییها را تا هنگام فروش نگهداری کند.

anticipation پرداخت پیش از سررسید
 پرداخت بدهی پیش از موعد سررسید آن

AON: (all-or-none order) سفارش همه یا هیچ
 ر.ک. به مداخل مربوطه

appreciation افزایش ارزش
 افزایش ارزش یک دارایی

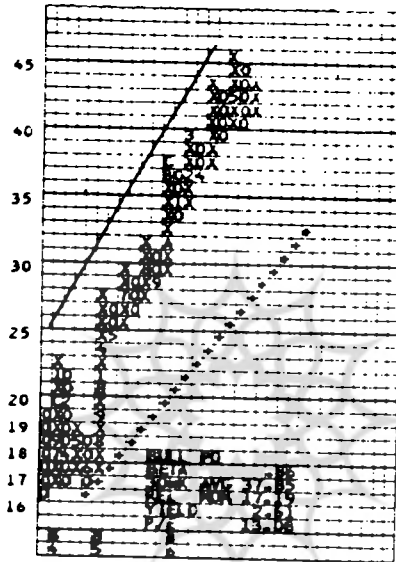
approved list فهرست مجاز
 فهرست سرمایه‌گذارهایی که طبق رأی هیأت مدیره یا هیأت امنای شرکت مجاز شمرده
 شده است. این فهرست معمولاً در صندوقهای سرمایه‌گذاری مشترک یا حسابهای امانی تهیه
 می‌شود.

- arbitrage** آربیتراژ
خرید و فروش همزمان کالا یا اوراق بهادار در بورسهای مربوطه مختلف برای کسب سود ناشی از تفاوت قیمت.
- arbitration** حکم - داور
گروهی متشکل از ۳ تا ۵ نفر (در امریکا) برای حل اختلاف میان بنگاه‌های کارگزاری یا میان بنگاه کارگزاری و مشتری. تعداد افراد گروه در کشورهای مختلف متفاوت است.
- arrearage** پس‌الت، معوق
مقدار سود سهام ممتاز انباشته که سررسید شده اما پرداخت نشده است.
- arrear** بدهیهای معوق
بدهی قطعی یا احتمالی که سررسید شده اما پرداخت نشده است.
- articles of incorporation** اساسنامه
سندی است که شرکتها برای تبدیل به یک شخصیت حقوقی قانونی باید ارائه کنند. این سند اطلاعاتی همچون نام مدیران، تعداد سهام مجاز و سایر اطلاعات مربوط را ارائه می‌کند و به آن "charter" نیز می‌گویند.
- asked price** قیمت درخواستی
قیمت جاری فروش یک سند بهادار. در مورد صندوقهای سرمایه‌گذاری مشترک، این قیمت شامل هر نوع هزینه فروش می‌شود که بر خالص ارزش داراییها نیز افزوده می‌شود. اصطلاح قیمت درخواستی به قیمت پیشنهادی (offering price) هم مصطلح است. همچنین، ر.ک. به مدخل bid price

ascending tops

فرازهای برتر

نموداری از قیمت سهام که نشان می‌دهد نقاط اوج کنونی نمودار به طور دائمی بالاتر از نقاط اوج قبلی قرار دارد، و قیمت‌ها در وضعیت رشد عمومی است. (به نمودار رجوع کنید)



نمودار فرازهای برتر

as of

از تاریخ

معامله‌ای که قبل از تاریخ گزارش آن معامله انجام شده است و تاریخ تسویه آن از تاریخ اولیه (از تاریخ) انجام معامله استخراج می‌شود.

asset

دارایی

چیزی که در تملک آید، و دارای ارزش اقتصادی باشد. روی دیگر سکه داراییها، بدهیها و سرمایه است؛ یعنی آنچه در شرکت وجود دارد و دارای ارزش است، یا متعلق به مالکان و سهامداران شرکت است که «سرمایه» نامند، و یا به اشخاص ثالث متعلق است که «بدهی» نامند.

- asset coverage** پوشش داراییها
حجمی از بدهیهای شرکت که توسط داراییها پوشش داده می‌شود.
- asset-liability management** مدیریت دارایی - بدهی
یک استراتژی مالی که برای رعایت نسبت خاصی بین داراییها و بدهیها اتخاذ می‌شود.
- asset- management account** حساب مدیریت دارایی
حساب مشتری که هم از خدمات بانکی و هم از خدمات کارگزاری استفاده می‌کند؛ خدمات حساب جاری، خرید اعتباری اوراق بهادار و بدهکار و بستنکار کارت اعتباری وی از طریق این حساب انجام می‌شود.
- asset play** خرید مرده
خرید سهمی که قیمت جاری آن کمتر از ارزش دفتری آن است.
- assigned** منتقل شده
واگذاری دارایی از یک شخص حقیقی یا حقوقی به شخص دیگر. (مثال: وقتی کسی ورقه سهامش را می‌فروشد، اوراق تحویلی به مالک جدید منتقل می‌شود.)
- assignee** منتقل الیه
شخص حقوقی یا حقیقی که دارایی به وی واگذار شده است.
- assignment** سند انتقال
سند ضمیمه گواهی سهام یا اوراق قرضه را گویند. در هنگام انتقال مالکیت، فردی که گواهی به نام وی است، و در مورد شرکتها، فردی که امضای مجاز شرکت را دارد، این سند را امضاء می‌کند. (همچنین، ر. ک. به مدخلهای (bond power, stock power).)

assimilation

جذب کامل

در عرضه اولیه سهام، اگر پذیرهنویسی کل سهام را به عامه مردم بفروشد، گفته می‌شود که آن سهام کاملاً جذب شده است.

associate member

عضو وابسته

فردی که حق تقدم خرید سهام را از بورس اوراق بهادار نیویورک خریداری کرده است تا از طریق یکی از اعضای بورس آن حق را اعمال کرده، و سهام خریداری کند، عضو وابسته نامیده می‌شود.

at a premium

با سود

زمانی که قیمت معامله بیش از قیمت خریداری شده باشد.

at par

به بهای اسمی

وقتی بهای جاری یک سند قرضه درست برابر با ارزش اسمی آن باشد، رابطه بین این قیمت و ارزش اسمی به درصد بیان می‌شود. (مثال: اگر اعلام شود که سند قرضه ۵۰۰۰ دلاری ۱۰۰ درصد است، یعنی قیمت جاری آن در بازار ۵۰۰۰ دلار است). همچنین، ر. ک. به مدخلهای (above par, below par).

at risk

در معرض خطر

مبلغی از سرمایه‌گذاری (برحسب واحد پولی) که در معرض خطر است. منظور از خطر در اینجا خطر تجاری سرمایه‌گذاری است.

at risk rules

بندهای مربوط به زیان

طبق قانون مالیاتی ایالات متحده، پاره‌ای از اقلام زیان صرفاً زمانی بستانکاری مالیاتی دارند که در قبال آنها مبالغی نقداً در شرکت سرمایه‌گذاری شود.

at sight bills بروات دیداری

براتی که بلافاصله پس از ارائه آن، وجه آن را می توان نقداً دریافت کرد.

attached account حساب مسدود

وقتی حسابی توقیف شده و صاحب آن حق برداشت از آن را نداشته باشد.

attachment حکم توقیف، حکم ضبط

حکمی که معمولاً در مورد داراییها و اموال متهم در دادگاه صادر می شود.

attestation تصدیق امضا

تأیید امضای شخص توسط مراجع ذیصلاح.

at the close در پایان روز

سفارش برای سهام، کالاهای اساسی، یا حق خرید و فروش که در پایان روز معاملاتی بورس احتمالاً انجام می شود. البته، تضمینی وجود ندارد که معامله در پایان روز قطعاً انجام شود.

at the market به قیمت بازار

سفارش برای سهام در بورس که به کارگزار اجازه می دهد به بهترین قیمت موجود در بازار بلافاصله خرید کند.

at the money به قیمت حق شرط

حق خرید یا فروشی که با توجه به قیمت بازار اوراق بهادار مربوطه، به قیمت خودش می ارزد. مثلاً اگر حق شرط (option price) خرید یک دلار به قیمت ۲۵۰۰ ریال در زمانی معین برابر با ۱۰۰ ریال باشد، و دلار در حال حاضر در بازار ۲۶۰۰ ریال معامله شود، چون

۲۵۰۰-۲۶۰۰ برابر همان ۱۰۰ ریال می‌شود، می‌گویند دلار به قیمت حق شرط معامله می‌شود. همین مثال را در مورد سهام یا اوراق قرضه می‌توان مطرح کرد.

به قیمت شروع بازار **at the opening**

سفارش برای سهام، کالاهای اساسی، یا حق خرید و فروش که در آغاز روز معاملاتی بورس باید انجام شود، و اگر نتوان آن را انجام داد، به طور خودکار باطل است.

الگوی مطلوب **attractive model**

بدره یا سرمایه‌گذاری که از نظر مالی جذاب و قابل قبول باشد. این ترکیب از سهام و یا این سرمایه‌گذاری می‌تواند الگوی سایرین قرار گیرد.